شیما دختر ۱۵ ساله تهرانی کجاست؟!

گروه حوادث – شـیطان پیر تهران دختر ۱۵ ساله ای به نام شیما را در خانه وحشتناکش زندانی کرد و حالا مشخص نیست شیما زنده است یا به قتل رسیده است؟!

شـیما آخرین مرتبه ۱۰ ماه پیـش در خانه مردی کفتارصفـت دیده شـد و از آن روز بـه بعد هیچ ردی از خود بر جای نگذاشـته است. همین اتفاق باعث شده فرضیه قتل این دختر پررنگ تر شـود. گفتگویی با پدر این دختر را در ادامه می توانید بخوانید.

هنگامی که سـاعت ۸ صبح وارد دفتر رکنا شـدم فکـرش را نمی کردم یکـی از بدترین روزهای کاری ام رقم بخورد.

گمشدن دختر ۱۵ سـاله ای به نام شیما در تهران

انتشار عکس دختری نوجوان به نام شیما صباگردی مقدم ۱۵ ساله با یک شماره تلفن و مژدگانی ۱۰۰ میلیون تومانی بسـیار دردناک بود! تصمیـم گرفتم برای کمک به والدین شـیما گزارش کوتاهی بنویسم تا شاید اتفاق خوبـی رخ دهد، اما زمانی که با شـماره روی آگهی این گمشـده تماس گرفتم، گریه های ناتمام پدر شیما باعث شـد تصمیم بگیرم او را به دفتر دعوت کنم تا راوی یک ماجرای تلخ و پیچیده باشد.

فرار دختر نوجوان که توسط پسری اغفال شد

ناپدید که نه، ربوده شـده بـود. دخترم ۳ مرتبه از خانه فرار کرد نخسـتین فرار او مرداد ماه سـال ۹۸ رقم خورد. جوانی به نام آرش که شغلش فروشنده بدلیجات بود، مغز دخترم را شسـت و شو داد و... . پیامک هایشان موجود اسـت. آرش به دخترم گفتـه بود "از خانه فرار کـن، قول میدم اون کارایی رو که اون شـب گفته بودم انجام نمی دیم." آن روز توانسـتیم شیما را در خانه یکی از دوسـتانش پیدا کنیم و به خانه برگردانیم. دوستی که شـیما در خانه اش پناه گرفته بود از سوی پدر اعدامی و از سوی مادر توزیع کننده شیشه است. دو هفته بعد شیما بـرای بار دوم از خانه فـرار کرد. اینبار هم فرار دخترم با اغفال آرش صورت گرفت.

شـیما را دوبـاره یافتم اما با این فرق که شـیما به موادمخدر شیشه آلوده شـده بود. تصمیم گرفتم خیلی مراقب شـیما باشیم و تا زمانی که شیشه از سرش بیرون رود در خانه را به رویش قفل کردم و با مشاوره قصد حل کردن مشکلش را داشتم. شیما ۳ جلسه توسط روانپزشک ویزیت شد و حتی قول داد که دیگر اینکار را انجام نمی دهد. باور کنید هیچ وقت دستم روی دخترم بلند نشده و تا به حال به شخصیت او توهین نکرده ام.

و بعد؟

بیست و ششـم همان ماه شیما ساعت یک بامداد کلید خانه را پیدا کرد و تا الان او را ندیده ام.

چه به سر شیما آمد؟

برخـی از حـرف هایی که الان مـی گویم پس از تحقیقات شخصی و پلیس مشخص شده و آن موقع من از این ماجراها خبر نداشتم.

شـیما پس از اینکه از خانه مان در نارمک به پایانه بیهقی رفته بود از طریق مغازه اسـباب بازی فروشی در همان نزدیکی به مادرش زنگ زد و سراغ من را گرفته بود و هرچه مادرش التماس او را می کند که برگردد تلفن را قطع کرد و همین آخرین تماس ما با شیما بود.

پس از شکایت و اعلام فقدانی شیما، ماموران پلیس آگاهی پایگاه چهارم سـید خندان شماره ای که دخترم با مـادرش تماس گرفته بود را ردیابـی کردند و به مغازه اسباب بازی فروشی در نزدیکی پایانه رسیدند. صاحب اسباب بازی فروشی تایید کرد دخترم آنجا بوده و پس از بیرون رفتن از مغازه به سمت پایانه رفته است.

با چک کردن دوربین های مداربسـته مشـخص شـد دخترم سـاعت ۲ بامداد روی یکی از نیمکت های پایانه و مقابل رسـتوران شبانه روزی نشسته بود و حتی دوربین رسـتوران تصویر دخترم را ضبط کرده است در فیلم دوربین مداربسـته دیده می شود شیما درحال گریه کردن بوده که پیرمردی کنار او نشسته و پس از ۴۰ دقیقه صحبت با او، شـیما را سـوار خودرویش کرده و دیگر مشخص نبود چه بلایی سر دخترم آمده است.

پـدر شـیما ادامه می دهد: سـراغ دختـرم را از هرشـخصی که آنجا بـود گرفتم کـه در آخر صاحب رسـتوران سر رسـید و خطاب به من گفت که دخترت با شال صورتی و کوله پشتی از خانه فرار کرده است؟

بـه او گفتم بله، دخترم را دیده اید؟ سـپس عکس شیما را به آن جوان نشان دادم.

صاحب رستوران وقتی عکس شیما را دید نگاهی بـه من کرد و گفت: دختـرت روی همین نیمکت پایین نشسـته بود که "حاج محمود" او را با خودش برد.فیلم را به صاحب رسـتوران نشان دادم و گفتم: حاج محمود، این شخص را می گویید؟

ربودن شیما توسط شیطان تهران

بهلول . ح ملقب به حـاج محمود همان پیرمردی اسـت کـه در فیلم کنار شـیما نشسـت و شـیما را با خودرویش برد.

متاسـفانه آن جوان صحبت هایی کرد که دست و پایم شـروع به لرزیدن کرد. او گفت: حاج محمود اسم واقعی اش "بهلول" است، شغل او راننده تاکسی نما، اما در اصل ماده مخدر شیشه می فروشد. بهلول درعین حال مغز زنان و دختران شهرسـتانی یا تهرانی را شست وشو می دهد که به هر دلیلی از خانه خارج شده اند و پایشان به پایانه بیهقی باز شده است. زمانی که دختر شما همراه بهلول به راه افتادند سـریعا مقابل بهلول ایستادم و به او گفتم که این دختر خیلی کوچک اسـت، این کار را نکن؛ امـا بهلول به حرفم توجهی نکـرد و گفت که این دختر تاکسی می خواهد قرار نیست اتفاقی رخ دهد.

"باتوجه به سـرنخ های موجود پلیس بهلول را به آگاهی سـیدخندان احضار کـرد و پس از یک بازجویی او آزاد شد!."

چرا؟

بهلـول به ماموران پلیس گفته بود که شـیما را در چهارراه نظام آباد پیاده کرده است. اما اینطور نبود، همان لحظه که بهلول در پلیس آگاهی این دروغ ها را سـرهم می کرد، شیما در خانه این شیطان زندانی بود.

پدر شیما گفت: افسـر پرونده پس از بازجویی از بهلـول او را رهـا کرد و خطاب به من گفت که فکر نمی کنم این فرد دخالتی در این پرونده داشـته باشـد. من که حسـابی تعجب کرده بودم وقتی دلیل اینکه چرا اینچنین فکر می کند را جویا شـدم، گفت: او آدم حسـابی است زن وبچـه اش در ترکیه زندگی می کنند و حتی اول کد تلفن همراه اش با یک شـروع می شود.این حرف ها را که شنیدم درخواسـت کردم پرونده شیما را به اداره ۱۱ آگاهی مرکز انتقال دهند.

بایـد این موضوع را اضافه کنـم؛ زمانی که بهلول برای نخسـتین بار به آگاهی سـیدخندان احضار شد با ایـن فکر که با خودرویش به آگاهـی می آید برادرم را مقابـل اداره پلیس قـرار دادم تا بهلول را تعقیب کند. اما هنگامی که بهلول از اداره پلیس بیرون آمد سریع به سمت موتورسواری که از قبل منتظرش بود رفت و متواری شد.

پدر شیما می گوید: پرونده شیما در اداره ۱۱ آگاهی تهران پیگیری شـد و احضـار بهلول برای آخرین مرتبه به پلیس آگاهـی مرکز صورت گرفت. اینبار کارآگاهان بـا ترفندهای تخصصی بهلـول را به حرف آوردند و او مجبورش شـد اعتراف کند. بهلول تایید کرد شیما، دختر من، به مـدت ۴۵ روز در خانه اش زندانی بود و هرروز شـیما را به ماده مخدر شیشـه آلوده تر می کرد او حتی گفت تا روزیکه اولین بار به آگاهی سـیدخندان احضار شده بود هنوز دخترم در خانه اش بود!

پس همه اعترافات قبلی بهلول دروغ بود؟

همینطـور اسـت. بهلول مقابل بازپرس شـعبه ۷ دادسـرای جنایی تهران اعتراف کرد و گفت مواقعی که از خانه خارج می شـد در را روی دخترم قفل می کرد. او همه چیز را گفت به جز اینکه دخترم کجا است؟! اگر شـیما را به قتل رسانده باید مشخص شود، این شخص خیلی سرسـخت اسـت، ماموران آگاهی می گویند کار بهلول اسـت. احتمالا یک شب شیشه مصرف کرده و به جان دخترم افتاده است.

فکر می کنید شیما به قتل رسید باشد؟

شـواهد این فرضیه را از دیگـر فرضیه ها پررنگ تـر می کنند. دخترم اگر زنده بود در این مدت ۱۰ ماه که هیچکـس از او خبری ندارد سـرنخی از خود به جا می گذاشـت. بازپرس و افسر پرونده گفتند که نمی خواهیم ناامیدت کنیم اما احتمال زیاد دخترت را به قتل رسـانده است.

خانه شـیطان پر از کفش هـای دخترانه و بچگانه!

هنگامی که پلیس خانه بهلول را بازرسـی کرد من هم آنجا حضور داشـتم. خانه بهلول مثل خانه وحشت بود، تمام درزهای خانه گرفته شده و با پتو خانه را عایق کاری کرده بود. در ادامه بازرسی ها، گونی ای کشف شد حـاوی ده ها جفت کفش دخترانه و بچگانه؛ قصد اتهام زدن به شخصی را ندارم اما شواهد، وحشتناک به نظر می رسد. بهلول در سن ۶۱ سالگی به دام افتاده احتمال اینکه او در پرونده های دیگری هم حضور داشته زیاد است.

شیما چطور دختری است؟

دختـری باهوش؛ او در رفاه کامل زندگی می کرد. معلـم خصوصی در حوزه های زبان خارجه و ریاضیات برای او گرفته بودم. هرچیزی می خواسـت سریعا برای او فراهم می شد. شیما را فقط اغفال کردند. دختر من به خاطر سادگی اش چنین بلاهایی سرش آمد.

شـاید این تصاویر را شـیما ببیند؛ صد در صد با او حرف دارید؟

پدر شیما در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده اسـت سرش را به سمت لنز دوربین تکان می دهد و می گویید: شیما دخترم، برگرد خانه، خواهش می کنم در هر وضعیتی که باشـی آغوش من به روی تو باز است، فقط برگرد خانه، مادرت مریض شده، می دانی که وضعیتش چگونه اسـت. تو فقط یک اشـتباه کردی، هیچ ایرادی ندارد، امکان این که من هم در این سن اشتباه کنم وجود دارد. پس فقط برگرد. اصلا نترس به خانه برگرد.

و اما حرف آخر؟

از مسـئولان می خواهم یا دختـرم را پیدا کنند یا محل دفنش را! بهلول قرار اسـت به زودی با قرار ۵۰۰ میلیون تومانی آزاد شود. دخترم را پرپر کرده و حالا آزاد می شود. جناب رئیسی رئیس قوه قضاییه کشور، کمکم کنید مشـخص نیست چه بلایی سر دخترم آمده است؟! خواهش می کنم کمکم کنید

زن تهرانی شوهرش را وحشیانه کشت

گروه حوادث – زن میانسال که همسرش را کشته و جسدش را در بشکه به آتش کشیده بود با رضایت ۲ دخترش از جنبه عمومی جرم محاکمه شد.

اواخر خرداد سـال ۹۷ زن ۴۷ سـاله ای به نام زیبا با کلانتری ۱۴۸ انقلاب تماس گرفت و از بوی تعفنی که از پشت بام خانه اش به مشام می‌رسید خبر داد . ماموران پلیس به پشت بام خانه این زن در خیابان اسـکندری شـمالی رفتند و با بشکه ای مشکوک روبه‌رو شـدند که از آن خون جاری بود .ماموران به بررسی بشکه پرداختند و با بقایای جسد شوهر این زن به نام سعید روبرو شدند.

جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و زیبا تحت بازجویی قرار گرفت. این زن گفت :چند روزی بود که از پشـت بام خانه بوی تعفن به مشام می رسید .من و ۲ دخترم چند بار پشت بام را بررسـی کردیم تا اینکه با بشـکه مشکوک روبرو شدیم .شوهرم صاحب یک شـرکت اسـت و مدتی است با یکی از کارمندانش که زن جوانی است اختلاف حساب مالی دارد . گمان می‌کنم آن زن در قتل همسرم دست داشته باشد.

ماموران پلیس به بررسـی تماس‌های تلفنی قربانی پرداختند و به رابطه پنهانی وی با یکی از کارمندان شرکت اش پی بردند. در این میان فرضیه جنایت خانوادگی قوت گرفت و زیبا به عنوان نخستین مظنون بازداشت شد.

این زن در بازجویی ها به قتل شـوهرش اعتراف کرد و گفت :چند سـال بود که با همسـرم اختلاف داشتم .او بارها مرا به شدت کتک زده بود. به همین خاطر می‌خواسـتم از او جدا شـوم. تا اینکه متوجه شدم با یکی از کارمندان شرکتش رابطه دارد.

آخریـن بار وقتی به تماس تلفنی او و زن جوان اعتراض کردم او کتک مفصلی به من زد.

من که کینه او را به دل گرفته بودم قرص خواب آور تهیه کردم و آن را داخل شیرموز ریختم تا خورد و وقتی شوهرم بیهوش شد او را خفه کردم و سپس جسد او را به پشت بام بردم و در داخل بشکه فلزی به آتش کشیدم.

این زن ادامه داد: چون دود زیادی در هوا پخش شده بود آتش را خاموش کردم و روی بشکه سیمان ریختم اما چند روز بعد دو دخترم به بوی تعفنی که از پشـت بام به مشام می‌رسید مشکوک شدند و به همین خاطر با پلیس تماس گرفتم تا آنها را گمراه کنم.

به دنبال اعتراف های این زن و بازسازی صحنه جرم برای وی کیفرخواست صادر شد. اما در این میان دو دخترش که ولی دم بودند اعلام گذشت کردند.

به این ترتیب زیبا در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران از جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه ایستاد.

وی در تشریح جزئیات ماجرا گفت : من و شوهرم سالها بود با هم اختلاف داشتیم . بارها مرا به شدت کتک زده بود .به همین خاطر دو دخترم از من خواسته بودند تا از شوهرم جدا شوم .

وی درباره جزئیات قتل افزود: آخرین بار وقتی متوجه شـدم همسـرم تلفنی با کارمند شـرکت صحبت می کند و بلند بلند می خندد به او اعتراض کردم اما سعید عصبانی شد و به شدت مرا کتک زد. به او گفتم مهریه ام را اجرا گذاشـته ام اما فحاشـی کرد و به اتاق خودش رفت.

بخشیده شدن مادر قاتل در دادگاه

وی ادامـه داد: من داخل شـیرموز قرص خواب آور ریختم و چند ساعت بعد وقتی وارد اتاق شوهرم شدم فهمیدم مقداری از شیر موز را خورده و بیهوش شده.

من دسـتمالی را دور گردنش پیچیدم و سپس جسد را پتوپیچ کردم و به پشـت‌بام بردم. من آن را آتش زدم اما از ترس همسایه ها آتـش را خاموش کردم و روی آن را سـیمان ریختم. فکر می کردم جسـد از بین رفته اسـت ولی چند روز بعد برای گمراه کردن پلیس با کلانتری تماس گرفتم.

این زن در حالی که اشـک می ریخت گفت :باور کنید من آن زمان در شـرایط روحی بدی قرار داشـتم که دست به این کار زدم و حالا پشیمان هستم. من در زندان توبه کرده ام و حالا نماز می خوانم و می خواهم به خاطر توبه ام ۶۰ روز روزه بگیرم.

سـپس دو دختر قربانی در حالی که اشک میریختند از قضات خواستند تا حکم آزادی مادرشان را صادر کند.

دختر جوان گفت :پدرمـان مرد بدخلقی بود و مادرمان را بی دلیل کتک می زد. از وقتی مادرمان بازداشت شده من و خواهرم در شـرایط سـخت زندگی می‌کنیم. به همین خاطر تقاضا داریم تا در مجازات مادرمان تخفیف قائل شوید.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و طبق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی حکم به آزادی زیبا صادر کردند.

نیـازمنـدیهـای روزانـه جزیـره کیـش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام

یک شرکت تولیدی آرایشی بهداشتی به یک خانم با مدرک شیمی گرایش کاربردی یا محض ، دارای سابقه کار مرتبط – ساکن کیش نیازمندیم
۰۹۱۲۱۱۸۱۷۱۳

به یک نفر کارمند خانم مسلط به امور اداری و دفتری برای شیفت عصر نیازمندیم
۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹

نیـازمندیهای اقتـصاد کیـش
۴۴۴۲۰۲۸۴ ۴۴۴۲۴۹۹۹

به نیروی خدماتی خانم/آقا با سواد نیازمندیم ۴۴۴۲۰۲۸۳
ساعت کار ۸ الی ۳ عصر

نیروی اداری خانم
آشنا به کامپیوتر جهت کار
در یک شرکت مورد نیاز است
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپر مارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند
ساعت کار: یک شیفت (۸ تا ۳ بعدازظهر)

نیـازمندیهای اقتـصاد کیـش
۴۴۴۲۰۲۸۴ ۴۴۴۲۴۹۹۹

خدمات

استخدام
خدمات
مفقودی
خرید و فروش و ...

تونل ضد عفونی کننده ASAK
تولید کننده تونل های ضد عفونی نسل جدید به همراه مه پاش های پیشرفته
صنعتی با قیمت مناسب در ابعاد دلخواه و سازه پیشرفته
مهندس خدا پرست نماینده محلول ضد عفونی سورولیت در جزیره کیش
۰۹۳۴۷۶۸۰۵۷۰
۰۹۳۴۷۶۹۴۱۸۵

تاسیسات برق ساختمان و نصب لوستر
فوری با یک تلفن
۰۹۱۰۳۹۶۸۰۳۵

نقاشی ساختمان
کلی و جزیی
بابایی ۰۹۳۴۷۶۹۴۳۱۸

نصب لوستر فوری
۰۹۳۸۵۷۵۰۸۶۷

شرکت چرتکه کیش
خدمات حسابداری، حسابرسی و مالیاتی
آموزش حسابداری و بورس
۰۷۶۴۴۴۶۷۰۲۵
CHORTKEHKISH

تاسیسات ساختمان
آب–برق– کلیه امور
کلی وجزئی
توانا
۰۹۱۷۹۴۹۰۸۳۱

تاسیسات ساختمان
آب– لوله کشی– کلی وجزئی
رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

فود فور کیش
سامانه آنلاین سفارش غذا
از رستورانهای جزیره کیش
وب سایت و اپلیکیشن
www.F4k.ir

تعویـض کابینـت فرسوده با نو
مدت محدود
اقساط برای کارمندان
۰۹۱۴۹۱۲۶۲۶۷

نقاشی ساختمان
کلی و جزیی
باقری ۰۹۳۴۷۶۹۲۶۳۵

حمل بار در سطح جزیره با شش چرخ
فقط با یک تلفن
باقری ۰۹۳۴۷۶۹۲۶۳۵

شهروند گرامی کیش!
به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روزدهها آگهی درنیازمند یهای روزنامه اقتصاد کیش چاپ می شود.
از آنجایی که این رسـانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیازمندیهای شهروندان می پردازد لذا مسئولیتی درباره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، با روش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.